



انجام مستحبات نورانیت خاصی برای انسان به ارمغان می‌آورد/ مستحبات و نوافل نگهبان واجبات است

خدایا در این روز، بهره ام را از مستحبات افزون گردان و مرا با حاضر کردن خواسته ها گرامی بدار و از میان وسایل، وسیله رسیدنم به حضورت را نزدیک گردان. ای که پافشاری اصرارکنندگان بازش نمی دارد و مشغولش نمی کند.

در دعای روز بیست و هشتم ماه مبارک رمضان می خوانیم: **اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظِّيْ فِيْهِ مِنَ التَّوَابِلِ وَ اَكْرِمْنِيْ فِيْهِ بِاِخْصَارِ الْمَسَائِلِ وَ قَرِّبْ فِيْهِ وَ سِيْلَتِيْ اِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْإِحْاحُ الْمُلِحِّينَ.**

خدایا در این روز، بهره ام را از مستحبات افزون گردان و مرا با حاضر کردن خواسته ها گرامی بدار و از میان وسایل، وسیله رسیدنم به حضورت را نزدیک گردان. ای که پافشاری اصرارکنندگان بازش نمی دارد و مشغولش نمی کند.

هر عمل خوب و مستحبی که انجامش واجب و الزامی نباشد و بالاتر از حد تکلیف الزامی باشد، «نوافل» است. بهره ای که انسان از انجام کارهای استحبایی و فوق برنامه می برد، در جهت حفظ بیشتر واجبات است. وقتی کسی بیش از مقدار واجبات، تکالیفی را هم که الزامی نیست ولی انجامش خوب است انجام دهد، این نشان دهنده علاقه و کشش او به طاعات و حسنات است، به نحوی که حتی خارج از تکلیف شرعی واجب، محبت صالحات، او را به عمل نیک وامی دارد.

وقتی کارگر و کارمندی خارج از ساعت اداری هم فوق العاده کار می کند، نشان میزان علاقه او به کار است که حتی در چار چوب شرح وظایف اداری و کاری، خود را محدود نمی کند. انجام نوافل و مستحبات نیز این گونه است. کشش «عبد» را به سوی خدا و علاقه او را به عبادت نشان می دهد و می رساند که این مؤمن، در طاعت، اکتفا به حد الزامی شرعی نمی کند. به یک تعبیر می توان گفت: مستحبات و نوافل، نگهبان واجبات است و آنکه غیر از واجبات هیچ عمل مستحبی انجام ندهد، امکان خلل و لطمه در واجباتش هم وجود دارد.

انجام مستحبات، چون از روی علاقه است نورانیتی خاص می آورد. وقتی نماز شب بخوانید یا روزه مستحبی بگیرید یا صدقه استحبایی و انفاقات، انجام دهید، وضوی مستحبی بگیرید، نافله های شبانه روزی بخوانید، احساس می کنید زمینه پاکی دل و تقوای قلب بیشتری پیدا کرده اید. این است بهره مستحبات و «حظ نوافل» که از خداوند خواسته ایم در این ماه و این روز، بهره ما را از «نوافل» فراوان بگرداند.

آنچه را می خواهیم باید در طلبش بکوشیم تا به آن برسیم. از خداوند خواسته ایم که با احضار آن خواسته ها ما را مورد اکرام و گرامیداشت قرار دهد و ما را در رسیدن به نیازها و خواسته هایمان توفیق دهد.

به قول خواجه عبدالله انصاری، در تفسیر ادبی آیه «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، نه هر که «راه» را دید، در راه برفت. و نه هر که رفت، به مقصد رسید! بسا کس که شنید و ندید، و بسا کس که دید و نشناخت و بسا کس که شناخت و ... نیافت! بسا پیر مناجاتی، که از مرکب فرو ماند، بسا یار خراباتی، که زین، بر شیر نر بندد.

خداوند، ندای این همه بندگان را در هرجا می شنود و دعای همه را به هر زبانی سمیع و مجیب است، اما پاسخ یک دعا و ندا، او را از دیگر نیازها و رازها و دعاها باز نمی دارد. این از ضعف ماست که اگر به کاری می پردازیم، از کارهای دیگر باز می مانیم. اگر گوش به صدایی می دهیم، صداها را دیگر نمی شنویم. اگر توجهمان به چیزی جلب می شود، از چیزهای دیگر غافل می شویم. چرا که ما محدودیم و ناتوان. اما...خداوند، نامحدود است و توانا. اصرار و ندا و مناجات این همه بندگان، در هر لحظه از لحظات، او را مشغول نمی کند: **يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْإِحْاحُ الْمُلِحِّينَ.** در قیامت کبری هم چنین است، در رسیدگی به حساب بندگان.